



محمد علی دستمالی

کارشناس مسائل سیاسی

برای آن که به شکلی اجمالی به دلایل وزمینه های انحلال پ.ک.ک بی ببریم، باید به طور همزمان، چند تجربه مهم از تحولات تاریخی را در ذهنمان تداعی کنیم و فراموش نکنیم که پایان و انحلال پ.ک.ک، فراتر از آن است که صرفا به ارزیابی یک پرونده محدود بین ترکیه و یک گروه مسلح، تقلیل داده شود. لازم است شاخ و برگ ها را کنار بزنیم، تنه و ریشه ها را بکنایم و یادمان باشد که از سال تاسیس پ.ک.ک (۱۹۷۸ میلادی) تا آغاز فعالیت مسلحانه (۱۹۸۴ میلادی)، از دستگیری اوچالان در کنیا (۱۹۹۹ میلادی) تا آتش بس ها و درگیری های مکرر و انحلال این گروه در سال ۲۰۲۵ میلادی، یک مقطع تاریخی طولانی نزدیک به نیم قرن طی شده است. نیم قرن درگیری، تنش، ناامنی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری. قبل از آن هم، باید لیستی از مهم ترین رویدادهای دوران پسانحلال «عثمانی» و پسا«لوزان» را مرور کنیم تا نخ تسبیح وقایع را در رازنمایی وضعیت کنونی لحاظ کنیم. یادمان باشد، حداقل در روزگار امروز و در ماه می ۲۰۲۵ میلادی، پرونده پ.ک.ک از قفسه جامعه شناسی سیاسی و مطالعات واقعی سطح خیابان کردهای ترکیه و سوریه بیرون آمده و روی میز مطالعات منطقه ای و روندهای بین الملل گذاشته شده است. حالا مدتی طولانی از آن دوران هایی سیری شده که کردهای ترکیه، سوریه و دیاسپورای اروپا، حاضر می شدند به درخواست اوچالان و احزاب زیرمجموعه پ.ک.ک به جرگه تظاهرات و اعتراضات بپیوندند. این مسیر، به خاطر عوامل متعددی از جمله افتادن در ورطه تکرار، انقدراز عینیت و ایزه آشکار، به سمت نماد و نشانه تغییر مسیر داد که حالا بااتباب زمینه های اجتماعی و مردمی این پدیده، به اندازه مسائل پیرامونی امنیتی و اقتصادی مهم نیست. پ.ک.ک مانند مکانیسمی که به دلایل بسیار، کند عمل کرده یا در زمان و مکان غلط عمل کرده، مقاطع تاریخی طولانی مدتی را از سر گذرانده است. در تمام این مقاطع طولانی، تأثیر فاکتورهای مربوط به تحولات سیاسی منطقه ای و فرامنطقه ای و مداخلات خارجی، به مراتب از تأثیر دینامیک های اجتماعی کردهای ترکیه و سوریه اثرگذارتر بوده است. در نتیجه گریزی از این واقعیت عینی نداریم که تصمیم اخیر اوچالان و پ.ک.ک، با روندهای پس از عملیات طوفان الاقصی، سقوط اسد، موقعیت روسیه و بازگشت ترامپ به کاخ سفید، رابطه مستقیم دارد. به موازات این عوامل، به خاطر داشته باشیم که تغییرات چشمگیر در فن آوری رزمی ترکیه و به ویژه افزایش نقش آفرینی پهپادها، برتری نسبی تهدیدات زیرساخت و فنداسیون تصمیم رابه تغییر گفتمان برخاسته از انتخاب و تغییر فکری نسبت دهیم. در مجموع، تحلیل دلایل، پرمسئله ها و ارزیابی پیامدهای تصمیم جدید برای انحلال پ.ک.ک و خلع سلاح اعضای شاخه نظامی آن، یک موضوع ذوابودا و چند جانبه است و نمی توان صرفا در مدار ارزیابی های ارزش گزارانه به این قضیه نگاه کرد. به عبارتی صریح تر، روانیت چنین موضوع تودرتوو غامضی را فرافاز این پنجره بزرگنیم که آیا مصداق و معادل دقیق اقدام اوچالان و پ.ک.ک، لفظ و قیمی در مایه های وادادگی و پایان است یا ناگزیری و تغییر. به همان اندازه که کردستان ترکیه با شرایط جغرافیایی و سیاسی خاص خود و تاریخ تحولات زمانه ما با جغرافیای آفریقای جنوبی و هندوستان تفاوت دارد، برتره سیاسی اوچالان نیز باگاندی و ماندلانتفاوت دارد. لذا قهرمان پنداری رهبر محبوس پ.ک.ک عاقلانه نیست و در عین حال، به هیچ انگاشتن او نیز منصفانه نیست. از یاد نبریم تا همین جای کار، حتی اگر دولت اردوغان در این روند، به اعطای هیچ گونه امتیاز آشکارا متعهد نشده باشد، دست کم زمینه های پیشین خونریزی برچیده شده است. اوچالان به شکلی جسورانه اعلام کرده که تاریخ انقضای پ.ک.ک فرا رسیده، ماهیت معنایی خود را از دست داده و باید منحل شود. علاوه بر اینها، بیه هر نوع ضدیت و واکنش خشمگینانه رابه تن دادن آینده و اعلام کرده که «مسئولیت تاریخی این تصمیم را، شخصا بر عهده می گیرد». در نتیجه، چنین ذهنیتی در موقعیتی مشابه و در صورتی که در جایگاه رهبری جنبشی مانند حماس قرار می گرفت، به احتمال قوی، حاضر بود تمام گروگان ها را آزاد کند و در پاسخ به هر متعرض و منتقدی بگوید: چاره ای نیست، نمی توان به نتیجه رسید. لافاقل حسن نیتمان را نشان دهیم، شواهد نشان می دهد که برخی از مفاد توافق بین دولت ترکیه و اوچالان، در پشت پرده مانده و قرار نیست فعلااز جزئیات مربوط به اصلاحات احتمالی سیاسی، حقوقی و اجتماعی چیزی بدانیم. حتی معلوم نیست که با نوعی «داد و ستد» مواجه هستیم یا دادن و نستاندن. به ویژه در مورد سناریوهای موقعیت آتی کردهای سوریه نیز اطلاعاتی نداریم و نمی دانیم آیا مایه ازای انحلال پ.ک.ک، روغن کاری چرخ های دمشق برای افزایش مشارکت کرد ها در دولت آینده خواهد بود یا نه. نمی دانیم آیا افرادی همچون صلاح الدین دمیرتاش و هزاران زندانی سیاسی پ.ک.ک، به راحتی آزاد خواهند شد یا نه. نمی دانیم آیا روند خلع سلاح پ.ک.ک در اقلیم کردستان عراق به طور دقیق و کامل اجرا خواهد شد یا نه. نمی دانیم آیا رهبری جریانات سیاسی و حزبی رسمی کردهای نزدیک به پ.ک.ک در پارلمان ترکیه، از این به بعد در دست خود اوچالان خواهد بود یا فردی دیگر. نمی دانیم آیا قرار است ماده ۶۶ قانون اساسی ترکیه که کل شهروندان ترکیه را ترک قلمداد می کند، تغییر می کند یا خیر. فعلا تنها چیزی که می دانیم، این است که دست کم بر روی کاغذ و در بیانیه آشکار، یکی از قدیمی ترین گروه های مسلح خاورمیانه، سلاح را کنار نهاده، تشکیلات پنهانی را منحل کرده و می خواهد در گستره سیاسی و حقوقی آشکار به حیات خود ادامه دهد. باید دید آیا این رویداد مهم، باعث تغییر نسبی موقعیت کردها در سوریه و ترکیه خواهد شد یا مهم ترین خروجی آن، به نفع دوگانه اردوغان – باغچلی و تداوم اقتدار حزب عدالت و توسعه منجر خواهد شد. ضمنا می توان به این مساله اندیشید که انحلال پ.ک.ک در ادامه مسیر، بر سرنوشت دیگر گروه های کردی نیز موثر واقع می شود یا آنان همچنان راه خود را خواهند رفت.

حسن بهشتی پور در گفت وگو با «آرمان ملی»:

مذاکره مستقیم با اروپا و غیر مستقیم

با آمریکا روش درستی است



ایران در حال مدیریت فضای رسانه‌ای در

مقابل تناقضات آمریکا است

مذاکراتی به نتیجه می‌رسد که دو طرف به

سمت هم حرکت کنند

آرمان ملی- احسان انصاری: دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا در حالی به پایان رسید که این روزها اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو بر سر ایران به اوج خود رسیده است. گرچه در نخستین روزهای دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ به نظر می رسید او و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل در بالا ترین سطح هماهنگی و هم راستایی قرار دارند اما در چند هفته اخیر رابطه این دو رهبر به ویژه با توجه به اختلاف گسترده آنها بر سر رویکردشان در مقابله با پهران هسته‌ای ایران و درگیری ها در غزه به شدت تیره شده است. بنیامین نتانیاهو موقعیت موجود را برای حمله به تاسیسات هسته‌ای و از بین بردن توانمندی هسته‌ای ایران مناسب می داند. این درحالی است

◀ **ارزیابی شما از دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا چیست؟**

ایران در این دور از مذاکرات توجه به گفت وگو با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از جمله عربستان و قطر پیش از آغاز مذاکرات را در دستور کار قرار داده تا بتواند پیش از سفر ترامپ به این دو کشور تبیین دقیقی از مواضع خود برای آنها داشته باشد و در واقع هشدارهای لازم را برای هر گونه ما جراجویی اسرائیل در منطقه و راهکارهای مقابله با آن را ارائه کند. به نظر می رسد طرف آمریکایی اگر واقعا به دنبال توافق برای اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است باید به راه حل های موجود در برجام متکی باشد. در آن زمان آژانس بین المللی انرژی اتمی با ایران به توافقی دست یافت که بازرسی های گسترده فراتر از تعهدات پادمانی را در ایران انجام دهد به طوری که این سطح دسترسی در طول تاریخ آژانس بی سابقه بود. من معتقدم موفقیت این مذاکرات به میزان استقلال دولت ترامپ از فشارهای اسرائیل ولایه های قدرتمند در کنگره آمریکاستگی دارد. اکنون همه چیز تحت تأثیر این واقعیت است که دولت ترامپ تا چه میزان می تواند خود را از سیاست های تحمیل شده از سوی اسرائیل ولایه قوی اش در کنگره آمریکا رها کند. به نظر می رسد موضع گیری های متناقض و بعضا غیرعادی ر ترامپ و همکارانش بیانگر اختلاف داخلی است که منشأ آن سیاست های اسرائیل است که به دنبال ایجاد مانع بر سر توافق و در نهایت تحمیل جنگ جدیدی به منطقه است زیرا نتانیاهو بقای دولت خود را در ایجاد بحران می بیند. ایران و آمریکا در این دور از مذاکرات به جای تمرکز بر یک توافق جامع به دنبال راه حل های مرحله‌ای و اعتمادسازی تدریجی خواهند بود؛ چرا که این رویکرد می تواند به کاهش تنش ها کمک کند. در عین حال عدم توافق بر سر سطح غنی سازی اورانیوم و نحوه لغو تحریم ها همچنان مانعی جدی محسوب می شوند. یکی از عوامل کلیدی موفقیت این مذاکرات میزان انعطاف پذیری طرفین در ارائه پیشنهاد های عملی و قابل اجرا خواهد بود. اگر آمریکا بتواند تضمین های لازم برای لغو تحریم ها را ارائه دهد و ایران نیز در زمینه تعهدات لازم برای اطمینان طرف مقابل از صلح آمیز بودن فعالیت هسته‌ای خود انعطاف نشان دهد احتمال دستیابی به یک توافق موثف افزایش می یابد.

◀ **در روزهای اخیر اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو بیشتر از گذشته شده که بیشتر نیز بر سر موضوع ایران است. آیا این اختلاف روی روند مذاکرات تأثیرگذار خواهد بود؟**

ایجاد اخلال توسط رژیم صهیونیستی در مسائل مربوط به ایران موضوع جدیدی نیست. رژیم اسرائیل از ابتدا مخالف هر نوع توافقی میان ایران و آمریکا بوده است. همانگونه که مخالف صد درصد برجام هم بود و تلاش می کرد برجام به شکست بینجامد. در حال حاضر رژیم صهیونیستی به دنبال درگیری با ایران و خواهان نابودی تاسیسات هسته‌ای ایران است که البته خواسته آنها هرگز محقق نخواهد شد. موضوع دومی که این رژیم مطرح می کند موضوع جنگ است و به صراحت اعلام می کند که تابع آمریکا نیست و تعبیر اقمار را برای خود استفاده می کند. درحالی که خود نتانیاهو هم می داند بدون حمایت آمریکا نمی تواند به ایران حمله کند

سختگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت؛ در جلسه کمیسیون غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه ضمن ارائه گزارشی از دور چهارم مذاکرات بیان کرد که در این دور مذاکرات از مواضع متناقض آمریکایی ها و همین طور تحریم های اخیر انتقاد شده و اینکه حصول توافق مشروط به رعایت خطوط قرمز ایران است لذا اگر آمریکایی ها دنبال غنی سازی صفر هستند ما نیازی به ادامه مذاکرات نمی بینیم. به گزارش ایسنا، ابراهیم رضایی با اشاره به جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: این جلسه با حضور کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و امور بین الملل وزارت امور خارجه برای ارائه گزارشی از دور چهارم مذاکرات غیرمستقیم بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تشکیل شد. وی توضیح داد: غریب‌آبادی با اشاره‌ای به سه دور گذشته



که ترامپ فعلا ترجیح می دهد از راه دیپلماسی و دستیابی به توافق با ایران اقدام کند. دونالد ترامپ هفته گذشته درست دو روز پس از آنکه موشک حوثی ها به نزدیکی فرودگاه بن گوریون تل آویو اصابت کرد و اسرائیل نیز حملاتی را علیه مواضع این گروه در یمن آغاز کرد از توقف حملات آمریکا به حوثی ها خبرداد و گفت که این گروه اعلام کرده که دیگر به کشتی های آمریکایی حمله نمی کند و آمریکا نیز در پاسخ، حملات خود را به مواضع این گروه متوقف می کند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی چشم انداز پیش روی مذاکرات با توجه به اتفاقات اخیر با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

طرفی با آژانس و از سویی با کشورهای منطقه در حال رایزنی و تعامل است تا مشکلات را برطرف کند و به نظرم رویکردش در مذاکرات غیرمستقیم ترکیب شده است و رویکرد خوبی هم هست. به علاوه اروپایی ها مذاکرات مستقیم با طرف ایرانی دارند اما با آمریکا مذاکرات غیرمستقیم در جریان است. به نظرم اینکه ایران در این مرحله ترجیح داده در کلیات با آمریکا به توافق برسد و اگر نیازی شد با اروپا وارد تعامل شود رویکرد مناسب و خوبی است. از طرفی مکانیسم ماشه دست اروپایی هاست و اگر آن را فعال کنند روند مذاکرات را با مشکلات عدیده مواجه می کند، اما منطقی است که ایران تا رسیدن به چارچوب اصلی مذاکراتی با آمریکا با طرف هایی که ذی نفع هستند مذاکرات جداگانه اش را ادامه دهد و بعد از آن شرایط برای ورود طرف های ذی نفوذ فراهم شود. واقعیت این است که اهمیت رسیدن به توافق با ایران برای اروپایی ها بیشتر از دعوای شان با آمریکا بر سر موضوعات دیگر با کنار گذاشت شدن از مذاکرات به عنوان میانجی گر است. آنها دو موضع هسته‌ای با آمریکا همسو هستند و عمده اختلاف نظرشان بر سر خروج یک جانبه آمریکا از برجام بود. منافع اروپا در این است که با ایران به توافق دست پیدا کنند چرا که این مساله هم برای عدم اشاعه هسته‌ای و هم دست یافتن به بازار ایران مطلوب است و می تواند خوب باشد. به همین دلیل بعد است اروپایی ها بخواهند در این مسیر کارشکنی کنند. اما حتما مکانیسم ماشه عامل فشار آنها خواهد شد تا بتوانند امتیازگیری کنند.

◀ **با توجه به اتفاقات رخ داده به چه میزان نسبت به رسیدن ایران و آمریکا به توافق خوشبین هستید؟** هیچ راه حل دیگری جز مذاکره برای رفع تحریم ها وجود ندارد. البته می توان با تمرکز بر اقتصاد داخلی و انجام اصلاحات اثر تحریم ها را کاهش داد یا بی اثر کرد اما واقعیت این است که برای داشتن روابط بین المللی، صادرات، واردات، جذب سرمایه گذاری خارجی، رفع تحریم های ناعادلانه ضروری است و برای این هدف باید تلاش کرد. باید توجه داشت که مذاکراتی به نتیجه می رسد که دو طرف به سمت هم حرکت کنند. اینکه ما فکر کنیم طرف آمریکایی هرچه می گوید ایران می پذیرد و یا بالعکس، خیال باطلی است. در نتیجه دو طرف به سمت هم حرکت می کنند تا به نقطه مشترکی برسند و در آن نقطه مشترک خطوط مشترک یکدیگر رعایت می شود. در این صورت می تواند توافقی شکل گیرد. امروز شرایط با سال های قبل متفاوت است. برای مثال، کشورهای منطقه از عربستان و امارات گرفته تا عمان، قطر و ترکیه برعکس زمان برجام، از شکل گیری توافق بین ایران و آمریکا استقبال می کنند و حتی حاضرند در چانه زنی های دیپلماتیک نیز ایفاگر نقش میانجی باشند. در چنین شرایطی عبور تیم های مذاکره کننده ایران و آمریکا از کلیات و ورود به جزئیات اگرچه با چالش هایی مانند میزان غنی سازی و سرنوشت ذخایر اورانیوم همراه است اما پیشنهاد های مرحله‌ای، سرمایه گذاری آمریکا در پروژه های بلند مدت و ساختار گام به گام تعهدات می تواند هزینه خروج احتمالی و واشنگتن از توافق را به شدت کاهش دهد که شمایل این جزئیات را در دور چهارم مذاکرات مشاهده کردیم.

دولتمردان آمریکا اشاره ای داشت و اینکه موضوعات داخلی آمریکا به ما ارتباطی ندارد و ما برای تأمین بسیاری از نیازهای صلح آمیزمان، از جمله نیازهای نیروگاهی همچون نیروی هسته که ریشه در همین نیاز به غنی سازی اورانیوم داریم. وی افزود: اعضای کمیسیون هم در این جلسه نکات و دیدگاه های خودشان را مطرح کردند از جمله انتقاد شدیدی از مواضع متناقض و همین طور تهدیدها و تحریم های آمریکایی ها داشتند و بر لزوم برخورد قاطع با این رویکرد تأکید کردند. برخی از اعضای کمیسیون پیشنهاد خروج غنی غنی سازی اورانیوم و توقف تحریم ها و علنی سازی اورانیوم و بر لزوم دیپلماسی رسانه‌ای در مذاکرات تأکید شد و اینکه کشور معطل مذاکرات نماد، در کل فضای کمیسیون نسبت به رویکردها، مواضع و اقدامات آمریکایی ها خیلی منفی بود.

گزارش

دور چهارم گفت وگوها در مسقط

بین وینکاف و عراقچی چه گذشت؟

ایران و ایالات متحده یکشنبه گذشته چهارمین دور از مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای تهران را برگزار کردند؛ به گفته مقامات، این رایزنی ها درست پیش از سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه انجام شد. پلیتیکو مدعی شد؛ در همین راستا؛ آنگونه که برخی منابع مدعی اند، دور چهارم گفت وگوها که بار دیگر در سلطان نشین عمان برگزار شده است، با میانجی‌گری وزیر خارجه عمان، بدر البوسعیدی، همراه بود. مقامات آمریکایی معتقدند که این گفت‌وگوها، همچون دورهای پیشین، شامل بخش‌هایی مستقیم و غیرمستقیم خواهد بود، اما مانند مذاکرات قبلی در مسقط و رم، جزئیات آن همچنان اندک و مبهم باقی مانده است. به ادعای این نشریه، هدف از این رایزنی ها، محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در ازای رفع بخشی از تحریم‌های اقتصادی است که آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرده است؛ تحریم‌هایی که ریشه در نزدیک به نیم قرن دشمنی دارند.

◀ **سیگنال‌های ضد و نقیض**

این رسانه در ادعای خود آورد: ترامپ بارها مدعی شده که در صورت نرسیدن به توافق، اقدام نظامی ادعایی علیه برنامه هسته‌ای ایران را آغاز خواهد کرد. در همین حال، مقامات ایرانی هشدار داده‌اند که ممکن است با تکیه بر ذخایر اورانیوم نزدیک به درجه عبور از آستانه گریز هسته‌ای، دکترین خود را تغییر دهند. اسرائیل نیز مدعی است در صورت احساس تهدید، خود به تنهایی اقدام خواهد کرد؛ موضوعی که تنش‌ها در منطقه خاورمیانه را، که پیش‌تر نیز به دلیل جنگ اسرائیل و حماس در نوار غزه بالا گرفته، پیچیده‌تر کرده است. در شرایط کنونی نه طرف ایرانی و نه آمریکایی درباره دور چهارم رایزنی‌ها به تفصیل موضعی اتخاذ نکرده است. در این دور از گفت‌وگوها، همچون دورهای قبلی، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و استیو وینکاف، فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، رهبری مذاکرات را بر عهده دارند. این دو پیش‌تر نیز دیدار و گفت‌وگوها در ورودر داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد بخش عمده مذاکرات به‌صورت غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری البوسعیدی انجام شده باشد. ایران تأکید دارد که حفظ توانایی غنی‌سازی اورانیوم، خط قرمز جمهوری اسلامی ایران است. وینکاف نیز با اظهارات ضدونقیض، موضوع را پیچیده‌تر کرده است؛ او ابتدا در یک مصاحبه تلویزیونی گفت ایران می‌تواند اورانیوم را تا سطح ۳.۶۷ درصد غنی‌سازی کند، اما سپس اعلام کرد که غنی‌سازی باید به‌طور کامل متوقف شود. وینکاف در گفت‌وگو با وب‌سایت محافظه‌کار بریتیار مدعی شد: «برنامه غنی‌سازی نباید هرگز در جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست. هیچ غنی‌سازی نباید انجام شود. این یعنی برچیدن کامل، یعنی عدم تسلیحات‌سازی و یعنی اینکه تأسیسات نظیر، فردو و اسفهان که سه مرکز اصلی غنی‌سازی آنها هستند باید برچیده شوند؛» ادعاهایی که بیشتر تهران هشدار داده بود که جزو خطوط قرمز و اصلی ایران است و در باب آن رایزنی انجام نخواهد شد. از همین رو، عباس عراقچی بار دیگر هشدار داد که غنی‌سازی خط قرمز ایران است. او پیش از ترک تهران گفت: «این حق است برای ملت ایران که قابل مذاکره یا مصالحه نیست. غنی‌سازی یکی از دستاوردها و افتخارات ملت ایران است. بهای سنگینی برای این برنامه پرداخت شده است. خون دانشمندان هسته‌ای ما برای این مسیر ریخته شده. این مسئله به‌هیچ‌وجه قابل مذاکره نیست. این موضوع روشن است که هواره اعلام کرده‌ایم؛ توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی در سال ۲۰۱۵، غنی‌سازی ایران را به سطح ۳.۶۷ درصد محدود کرده و ذخایر اورانیوم آن را به ۳۰۰ کیلوگرم کاهش داده بود. این سطح از غنی‌سازی برای تولید برق کافی است، اما فاصله زیادی با سطح ۹۰ درصدی مورد نیاز برای عبور از آستانه گریز هسته‌ای دارد. از زمان فروپاشی این توافق در سال ۲۰۱۸ با خروج یک‌جانبه آمریکا توسط ترامپ، ایران تمام محدودیت‌ها را کنار گذاشته و غنی‌سازی را تا سطح ۶۰ درصد افزایش داده است؛ سطحی که تنها یک گام فنی تا عبور از آستانه گریز فاصله دارد. همچنین طی سال‌های اخیر، تجربه‌ای از حملات در دریا و خشکی به وقوع پیوسته که ریشه در همین تنش‌ها دارد؛ حتی پیش از آغاز جنگ اسرائیل و حماس، ایران در داخل به واسطه تحریم‌ها با چالش‌های رویه‌رو روبرو است. با این حال، دو طرف همچنان از رسیدن به توافق نهایی فاصله دارند؛ حتی در حالی که زمان در حال اتمام است. رسانه‌های ایران به‌طور گسترده گزارش داده‌اند که ترامپ در نامه ابتدایی‌اش، اهمیت دوام‌ناهمی تعیین کرده است. به گفته ترامپ، این نامه را در تاریخ ۵ مارس نوشته و از طریق یک دیپلمات اماراتی، در ۱۲ مارس به ایران رسانده؛ از منظر تئوری، روز دوشنبه، همزمان با پرواز ترامپ از واشنگتن برای سفر به عربستان سعودی، قطر و امارات این مهلت تمام خواهد شد.